آداب معاشرت با همسر

ستاد نشر رسانه‏اى مركز فرهنگ و معارف قرآن

زهرا عظيمى

مقدمه

قرآن كريم به خانواده اهميت بسيارى داده است. بنياد جامعه قرآنى بر خانواده و نقش آن نهاده شده است. از اين رو، به خانواده، به عنوان مركز توجه احكام، حقوق و آداب، اهتمام ويژه‏اى مبذول داشته و نقش و جايگاه آن را با گزاره‏ها، آموزه‏ها و دستورهاى متعدد تحكيم بخشيده است.

خانواده از اركان سه گانه مرد، زن و فرزند تشكيل شده و به زن، به دلايلى، نظرى خاص و ويژه‏اى شده تا جايگاه و نقش واقعى خود را در اين شاكله به خوبى پيدا كند. به همين دليل قرآن آيات زيادى را به مسائل زن اختصاص داده و از بيان كوچك‏ترين چيز خوددارى نورزيده است. يكى از مسائلى كه مورد توجه قرآن است، آداب معاشرت با همسر و زن است. آيه 9 سوره نساء : «و عاشروهنّ بالمعروف»، بيان‏گر اين مطلب است كه هر گونه ارتباط، برخورد و رفتار شوهر بايد به گونه‏اى باشد كه عرف و شرع و رفتار جوانمردانه با آن موافق باشد. پس اعمالى چون سخت‏گيرى در نفقه، آزار و اذيت يا بدخلقى و مانند آن‏ها، مخالف با معاشرت به معروفى است كه قرآن بدان سفارش نموده است.(1)

گفته شده كه معاشرت به معروف، به معناى رفتار و اعمالى است كه خداوند بدان امر نموده است. و نيز مراد از معاشرت به معروف، ادا نمودن حقوق زن، چون قسم، نفقه و داشتن رفتار و گفتارى مناسب با اوست. (2)

معاشرت به معروف از يك سو، باعث دوام و قوام يافتن زندگى مشترك و شيرين شدن آن، براى هر يك از زن و شوهر خواهد شد. از سوى ديگر، موجب شكوفا شدن استعدادهاى زن مسلمان مى‏شود و عاملى براى پيشرفت او در زندگى مى‏گردد.

برخى از مصاديق حسن معاشرت

معاشرت به معروف مصاديق فراوانى دارد و شامل بسيارى از امور اخلاقى مى‏گردد كه در اين جا مجال بحث در مورد همه آن‏ها نيست و تنها به برخى از مصاديق مهم اشاره، و توضيح مختصرى در رابطه با آن، داده خواهد شد.

1 - حسن خلق

حسن خلق صفتى پسنديده و نيكوست كه اسلام بسيار به آن سفارش نموده است، تا آن جا كه در روايات، حسن خلق به عنوان اولين، سنگين‏ترين، بهترين و با ارزش‏ترين چيزى بيان شده است كه در روز قيامت مورد محاسبه قرار مى‏گيرد: «قال رسول اللّه (صلى‏الله‏عليه‏وآله) اول ما يوضع فى الميزان العبد يوم القيامة حسن خلقه ما من شئى اثقل من الميزان من خلق حسن، ما من شئى فى الميزان احسن فى حسن الخلق، ما يوضع فى ميزان امرء يوم القيامة أفضل من حسن الخلق».(3)

معناى حسن خلق، خنده رو بودن و گشاده رو بودن نيست، اگر چه اين رفتار را نيز شامل مى‏شود؛ بلكه معناى فراتر از خنده رويى دارد. حسن خلق به معناى تحمل و سعه صدر است. حسن خلق به معناى رها نكردن حق و ترك باطل است.(4)

حسن خلق در روابط خانوادگى و خصوصاً بين زوجين جايگاه ويژه‏اى دارد، تا آن جا كه بر ساير اعمالِ انسان نيز تأثير مى‏گذارد. در اين مورد روايتى از پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) نقل شده است كه ذكر آن، باعث روشن شدن اهميت خلق و خوى نيك در خانواده خواهد شد.

«به پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) خبر دادند كه سعدبن معاذ درگذشت. با شنيدن اين خبر، پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) با اصحاب خويش به خانه سعد رفتند. پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) به چهار چوب در خانه تكيه داده بود. دستور داد كه او را غسل دهند. چون او را خوشبو ساختند و كفن كردند و بر تابوت نهادند، پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) با پاى برهنه و بدون عبا در پى جنازه روان گشت. گاه از راست جنازه مى‏گرفت و گاه از چپ، تا جنازه به گورستان رسيد. پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) نزديك قبر آمد و خود سنگ بر آن نهاد و آجر بر آن چيد. (در هنگام ساختن گور) پياپى مى‏گفت: آجر بدهيد، گل بدهيد و با گل‏ها (كه در ميان آجرها مى‏نهاد) آجرها را محكم مى‏كرد. چون (كار ساختن گور) پايان يافت و خاك بر آن پاشيد و قبر را هموار ساخت، فرمود: مى‏دانم كه اين گور فرسوده مى‏گردد و مى‏پوسد؛ ليكن خداوند بنده‏اى را دوست دارد كه چون كارى انجام دهد، آن را درست و استوار به انجام برساند. زمانى كه خاك روى قبر را صاف كرد، مادر سعد گفت: سعد! بهشت گوارايت باد. پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) گفت: مادر سعد! ساكت باش. درباره كار خدا اين گونه، حتمى ميانديش؛ زيرا كه گور، سعد را بفشُرَد. سپس پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) بازگشت و مردم نيز بازگشتند. (در راه بازگشت)، به پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) گفتند: يا رسول اللّه! ديديم كه با سعد رفتارى كردى كه با هيچ كس نكردى، تشييع كردى در حالى كه پابرهنه بودى و عبا بر دوش نداشتى. رسول خدا (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: ملائكه هم پا برهنه و بدون عبا بودند، و من به آن‏ها تأسى كردم. گفتند: يك بار طرف راست جناه را مى‏گرفتى و يك بار طرف چپ آن را. پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: دست من، در دست جبرئيل بود. من آن جايى را مى‏گرفتم كه او مى‏گرفت. گفتند: به غسل او فرمان دادى و بر جنازه‏اش نماز گذاردى و او را در گور نهادى، سپس فرمودى كه قبر او را بفَشُرَد؟ پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمود: آرى (چنين است كه گفتم)؛ زيرا كه سعد با خانواده‏اش بد اخلاق بود.»(5)

از نوع برخورد پيامبر (صلى‏الله‏عليه‏وآله) با سعد به خوبى روشن مى‏شود كه سعدبن معاذ، فردى درستكار و با ايمان بوده و نيز فرمان‏بردار و تابع قوانين الهى؛ مسلماً حق و حقوق زن را رعايت مى‏كرد؛ كه اگر چنين نمى‏بود، پيامبر نيز با او اين گونه با احترام رفتار نمى‏كرد. پس اين همه احترام پيامبر نسبت به او به دليل اين است كه او فردى بوده كه حقوق افراد و خانواده و جامعه را كاملاً رعايت مى‏كرده و در اين مورد هيچ گونه ظلمى بر كسى روا نمى‏داشته است. امّا پيامبر مطلبى بالاتر از حق و حقوق زن و شوهرى را مطرح مى‏كند و آن رعايت اصول و ارزش‏هاى اخلاقى است، كه حسن خلق يكى از اين موارد است، و لزوم وجود آن در خانواده، مورد تأكيد است.

2 - اكرام و احترام به زن

اسلام دو جنس زن و مرد را در گوهر انسانى و شرافت، يكى مى‏داند و از اين لحاظ تفاوتى بين ايشان قائل نيست. قرآن كريم تمام انسان‏ها را بدون در نظر گرفتن جنسيت و نژاد و... داراى كرامت مى‏داند و مى‏فرمايد: «و لَقَد كَرَّمنا بَنى ءادَمَ»،(6) كه اشاره به اين اصل مهم و اساسى است. امّا در اين ميان، اكرام و احترام نسبت به زن جايگاه خاص و ممتازى دارد. پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) در اين مورد فرموده‏اند: «ما اَكْرَمَ النِساءَ اِلاّ كَريمِ وَ لا اَهانَهُنَّ اِلاّ لَئيم»؛(7) جز كسى كه بهره‏اى از كرامت برده باشد، زنان را احترام و اكرام نمى‏كند و به زنان، اهانت نمى‏كند، مگر انسان پست.» و نيز امام صادق (عليه‏السلام) به نقل از پدر بزرگوارشان مى‏فرمايند: «مَنِ اتَّخَذَ امراةً فليكرِمْها فإنّما الْمَرأَة لُعبةٌ فَمَنِ اتّخَذَها فَلا يُضَيِّعها»؛(8) هر كس زنى بگيرد، بايد احترامش كند. زن شما لعبت و دلبر است؛ هر كسى لعبتى به دست آورد، نبايد آن را ضايع سازد.

از ديدگاه اسلام، زن ميهمان محترمى است كه اكرام و احترام نسبت به او لازم و ضرورى است. چه زمانى كه او دخترى در خانه پدر است و چه زمانى كه همسرى در كنار شوهر و يا مادرى مهربان براى فرزندان باشد. در همه حالات فوق توصيه‏هاى فراوانى در روايات آمده است كه دليل بر لزوم احترام و اكرام نسبت به اوست.

در حديث ديگرى وارد شده كه پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمودند: «الا خيركم خيركم لنسائه و انا خيركم لنسائى»؛(9) بهترين شما مردى است كه با زنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوشرفتارترم.

در حقيقت سيره عملى نبى مكرم اسلام (صلى‏الله‏عليه‏وآله) نيز به خوبى نشان مى‏دهد كه ايشان در نهايت احترام با زنان، خصوصاً دختر گراميشان حضرت فاطمه (عليهاالسلام) و همسرانشان، رفتار مى‏نمودند. كه رفتار و گفتار ايشان در حقيقت ترسيم كننده نگاه اسلام، به زن است، كه زن را از موجودى پست و فاقد روح انسانى، در عصر جاهليت، به انسانى صاحب كرامت، تبديل كرد.

3 - محبت و اظهار آن

اصل مهر و محبت و علاقه همسران نسبت به هم را خداوند متعال، در وجود زوجين، قرار داده است.(10) اين محبت و علاقه با شروع زندگى مشترك تولد مى‏يابد و با ادامه زندگى، استحكام پيدا مى‏كند و تثبيت مى‏شود.

امام صادق (عليه‏السلام) در رابطه با اهميت محبت به زن مى‏فرمايد: «مِنْ اَخلاقِ الأنبياء حُبُّ النِساء»؛(11) از اخلاق پيامبران دوست داشتن زنان است.

و نيز در جايى ديگر فرمودند: «كُلّ مَنْ اِشْتَدَّ لَنا حُبّاً اِشْتَدَّ لِلنِّساءِ حُبّاً...»؛(12) هر كس ما را بيشتر دوست بدارد، زنان را بيشتر دوست خواهد داشت.

البته بديهى است كه مهر و محبّتى داراى ارزش است كه در مسير الهى و مطابق با دستورات شرع باشد وگرنه، چه بسا مهر و محبتى، كه هيچ ثمره معنوى نداشته باشد و حتى باعث سقوط فرد به ورطه نابودى شود.

در فرهنگ غنى اسلام، اظهار محبت، يكى از لوازم دوست داشتن است. امّا در روابط بين زوجين كه مظهر كامل عشق و علاقه هستند، اين اظهار محبت، جايگاه ويژه‏اى دارد تا آن جا كه پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرموده‏اند: «قَولُ الرَّجُلِ لِلْمَرأَةِ اِنّى اُحِبك لايَذهَب مِنْ قَلْبِهْا اَبَداً»؛(13)گفتار مرد به همسرش: «همانا من تو را دوست دارم»، هرگز از قلب همسرش محو نمى‏گردد.

قوانين و توصيه‏هاى اسلام، بر اساس فطرت و خصوصيات كلى انسان‏هاست. اين حديث، با توجه به خصوصيات خاص زن كه داراى احساسات و عواطفى بيش از مرد است، توصيه به اظهار محبت مرد نسبت به همسرش مى‏نمايد؛ چرا كه زن از نظر روحى، نياز به دوست داشتن و محبوب بودن دارد، و با اين جمله همسر، نياز روحى و روانى او تأمين و به زندگى دلگرم مى‏شود، و مى‏تواند همسرى مهربان براى شوهر و مادرى دلسوز و با عاطفه براى فرزندان باشد.

4 - پوشاندن عيوب همسر

زن و مرد در ارتباط و معاشرت با هم بايد عيوب يكديگر را بپوشانند و يكديگر را از گناه و خطاو اشتباه حفظ نمايند؛ چنان كه قرآن كريم در اين رابطه مى‏فرمايد: «هُنَّ لِباسٌ لَكُم و اَنتُم لِباسٌ لَهُنَّ...»(14).

از آن جا كه لباس‏ها انسان را مى‏پوشاند و حفظ مى‏كند، زن و مرد به لباس تشبيه شده‏اند.(15) يعنى زن و مرد، هر يك طرف مقابل را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بين ديگران، حفظ مى‏كنند.(16)

در تشبيه همسر به لباس، نكات جالبى وجود دارد؛ به عنوان مثال، لباس متناسب با فصل و زمان تغيير پيدا مى‏كند، پس هر يك از دو همسر بايد اخلاق و رفتار خود را متناسب با نياز روحى و روانى همسر خود تنظيم نمايد. و يا اين كه لباس بايد در رنگ، دوخت و جنس، مناسب شأن انسان باشد، و يا اين كه لباس هم موجب حفظ بدن است و هم زينت به حساب مى‏آيد و انسان هميشه به آن نيازمند مى‏باشد. البته بين انسان و لباس رابطه‏اى متقابل وجود دارد. همان گونه كه لباس انسان را حفظ مى‏كند، در مقابل، هر فردى موظف به حفظ لباس خويش است.(17)

پس زن و مرد بايد همانند لباس هم باشند، هم يكديگر را از خطا و اشتباه حفظ كنند و هم هر يك زينت ديگرى به حساب آيند و به يكديگر افتخار كنند. اين رابطه تنگاتنگ و متقابل، در يك تشبيه خيلى ساده و كوتاه بيان شده است و نشان دهنده ارتباط صميمانه و پر از صدق و دوستى دو همسر نسبت به هم است.

5 - عفو و گذشت

انسان مختار آفريده شده است، و حق انتخاب دارد و ممكن است در برخى از انتخاب‏ها دچار اشتباه شده و از مسير اصلى خارج گردد. و اين مسأله براى زن و مرد، هر دو يكسان است. به طور معمول، امور مربوط به خانه، بر عهده زن گذارده مى‏شود و او بايد امور خانه را مديريت نمايد. او ممكن است در اين راه دچار اشتباه شود، حتى ممكن است در برخورد و رفتار و گفتارش نسبت به همسر خويش خطا و اشتباه كند. در اين مواقع، بسيار سفارش شده است كه مردان خطاهاى همسر خويش را ببخشند و آن‏ها را به اين دليل مورد آزار و اذيت قرار ندهند.

از امام صادق (عليه‏السلام) پرسيده شد: «ما حقُّ المَراةِ عَلى زَوْجِها الّذى اِذا فَعَلَهُ كانَ مُحْسناً؟» قال:«... وَ اِنْ جَهَلتْ غَفَرَ لَها»؛(18) حق زن بر شوهرش چيست كه اگر مرد آن را انجام دهد، نيكوكار است؟ فرمودند:... اگر زن از روى جهل خطايى كرد، مرد او را ببخشد.

عفو و گذشت تا آن جا اهميت دارد، كه قرآن كريم، عفو و گذشت را از موارد احسان مى‏داند، و فردى كه داراى احسان باشد، محبوب خداوند متعال است: «وَ العافينَ عَنِ النّاسِ و اللَّهُ يُحِبُّ المُحسِنين»؛(19) و از خطاى مردم در مى‏گذرند، و خدا نيكوكاران را دوست دارد. زن و مرد، هر دو در مسير زندگى مشترك، دچار اشتباه مى‏شوند و هر يك بايد با گذشت از خطاهاى طرف مقابل، فضاى گرم و صميمى خانواده را حفظ نمايد، و از طرف ديگر، با عفو و گذشت، محبوب خداوند متعال خواهند شد.

6 - مدارا كردن

ممكن است در طول زندگى مشترك، به دليل برخى از مسائل، از ميزان مهر و محبت زن و شوهر نسبت به هم كاسته شود. و يا ممكن است وجود برخى از خصوصيات اخلاقى در زن و يا شوهر، كدورت و دلسردى در بين ايشان ايجاد كند و زوجين تصور كنند كه مى‏توانند از طريق جدايى، زندگى بهترى را براى خود فراهم آورند. قرآن كريم با توجه به اهميت لزوم حفظ نظام خانواده و نيز با توجه به اين كه حق طلاق در دست مردان است، خطاب به ايشان مى‏فرمايد:

«فَاِن كَرِهتُموهُنَّ فَعَسى‏ اَن تَكرَهوا شَيئاً و يَجعَلَ اللَّه فيهِ خَيراً كَثيرا»؛(20) و اگر از آن‏ها (به جهتى) كراهت داشتيد (فوراً تصميم به جدايى نگيريد)، چه بسا چيزى خوشايند شما نباشد، و خداوند خير فراوانى در آن قرار مى‏دهد.

در اين آيه، به مردان توصيه شده است كه نسبت به همسران خود مدارا نمايند؛ هر چند كه مورد پسند و رضاى شما نباشند. و در مقابل، براى كسانى كه چنين رفتار نمايند، مژده «خير كثير» مى‏دهد؛ زيرا انسان به جهت محدوديت علم و دانش، از بسيارى از مطالب بى‏اطلاع است.

امام على (عليه‏السلام) در رابطه با مدارا كردن به مردان چنين مى‏فرمايد: «فَدارِها عَلى كُلّ حال وَ اَحْسَن الصُحبَة لَها لِيَصفُوا عَيْشك»؛(21) در هر حال، با همسرت مدارا كن و با او به نيكى معاشرت نما، تا زندگيت با صفا شود.

مرد بايد بداند كه غرائز و احساسات او، با غرائز و احساسات همسرش متفاوت است و هر يك براى مقصودى خاص خلق شده‏اند. هر يك از زن و شوهر، بايد وظايف و تكاليف خود را انجام دهد و براى ديگرى ايجاد مزاحمت ننمايد. مرد هيچ گاه نبايد از همسرش انتظار داشته باشد كه مطابق او فكر كند، يا مثل او عمل نمايد. بلكه بايد در مقابل گفتار و رفتار او مدارا پيشه كند تا زندگى براى هر دويشان شيرين و لذت بخش گردد.

7 - مشورت و تبادل نظر

در قسمت‏هاى قبل، بيان شد كه هريك از زن و مرد، داراى خلق و خوى خاص خود هستند. و هر يك وظايف و تكاليف خاصى در خانه دارند.

در برخى از مسائل كه ارتباط زيادى با زن دارد و تصميم‏گيرى مرد به تنهايى، نمى‏تواند كاملاً صحيح و بى‏عيب و نقص باشد، مشورت و تبادل نظر، بهترين راه براى رسيدن به نتيجه مطلوب مى‏باشد.

در قرآن كريم نمونه‏اى از مشورت بين همسران بيان گرديده است: «فَاِن اَرادا فِصَالاً عَن تَراضٍ مِنهُما و تَشَاوُرٍ فَلا جُناحَ عَلَيهِما و اِن اَرَدتُّم اَن تَستَرضِعُوا أَولدَكُم فَلا جُناحَ عَلَيكُم اِذَا سَلَّمتُم ما ءَاتَيتُم بِالمَعروفِ»؛(22) پس هر گاه والدين خواستند با رضايت و مشورت، فرزند خود را از شير بگيرند، اين كار ايرادى ندارد و اگر خواستيد براى فرزندتان دايه بگيريد، در صورتى كه حقوقى به حد متعارف به او دهيد، اشكالى ندارد.

در جايى ديگر، قرآن كريم با تعبير ديگرى به زوجين توصيه مى‏كند كه با هم مشورت نمايند: «وَ أْتَمِروا بَينَكُم بِمَعروفٍ و اِن تَعاسَرتُم فَسَتُرضِعُ لَهُ اُخرى‏»؛(23) و (درباره فرزندان، كار را) با مشاوره شايسته انجام دهيد؛ و اگر به توافق نرسيديد، زن ديگرى شير دادن آن بچه را بر عهده مى‏گيرد.

از فوائد مشورت در امور خانواده، اين است كه طرف مقابل، خود را در فكر و تصميمى كه گرفته شده، سهيم مى‏داند و ديگر احساس نمى‏كند كه اين كار بر او تحميل شده است.(24)

البته بديهى است كه آن چه مطلوب و مفيد است، مشورت با همسر در امور مربوط به خانه و خانواده است؛ و يا امورى كه زن در آن صاحب نظر است، و در امورى كه به او ارتباطى ندارد، مشورت، توصيه نمى‏شود. پس به وسيله مشورت با همسر، علاوه بر حل مشكلات، راه صحيح نيز انتخاب مى‏شود و امور به احسن وجه اداره مى‏گردد.

پى‏نوشت‏ها:

1) محمدرضا رشيد، تفسير المنار، ج 4، ص 456.

2) طبرسى، مجمع البيان، ج 3 و 4، ص 35.

3) محمدى رى شهرى، ميزان الحكمة، ج 3؛ پيشين، ص 140.

4) عبداللّه جوادى آملى، مبادى اخلاق در قرآن، مركز نشر اسراء، ص 158.

5) ابن بابويه قمى، علل الشرايع، ج 1، ص 360؛ مجلسى، بحارالانوار، ج 6.

6) سوره اسراء/ آيه 70.

7) علاءالدين على بن حسام الدين المتقى الهندى، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، ج 16، ص 371، حديث 44943.

8) مجلسى، بحارالانوار، ج 100؛ پيشين، باب 2، ص 224، حديث 5.

9) محمد بن حسن الحر العاملى، وسائل الشيعه، ج 20؛ پيشين، باب استحباب الاحسان الى الزوجه، ص 171، حديث 11.

10) وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ سوره روم/ آيه 21.

11) محمدبن حسن الحر العاملى، وسائل الشيعه، ج 20، پيشين، باب استحباب حب النساء... ص 22، حديث 2.

12) همان، ص 24، حديث 12.

13) همان، ص 23، حديث 9.

14) سوره بقره/ آيه 187.

15) جاراللّه محمود بن عمر الزمخشرى، الكشاف، ج 1، ص 230.

16) سيد محمد طباطبايى، الميزان، ترجمه سيد محمد باقر موسوى همدانى، ج 2؛ پيشين، ص 64.

17) ناصر مكارم شيرازى و همكاران، تفسير نمونه، ج 1؛ پيشين، ص 650، محسن قرائتى، تفسير نور، ج 1؛ پيشين، ص 382.

18) محمد بن الحسن الحر العاملى، وسائل الشيعه، ج 20، پيشين، باب استحباب الاحسان الى الزوجه...، ص 169، حديث 1.

19) سوره آل عمران/ آيه 134.

20) سوره نساء/ آيه 19.

21) محمدبن الحسن الحر العاملى، وسائل الشيعه، ج 20، پيشين، باب جمله من آداب عشرة النساء، ص 169، حديث 3.

22) سوره بقره/ آيه 233.

23) سوره طلاق/ آيه 6.

24) محمد تقى مصباح يزدى، اخلاق در قرآن، ج 3، ص 78.